

چگونه می‌توان نوبل اگرچه



دکتر بابک طهرانی، مدیر نوبل ادبیات ۲۰۰۶

گزارش

آرژستان



اورهان پاموک ترک - کرد، در ۷ ژوئن سال ۱۹۵۲ در خانواده‌ای پرجمعیت متولد، و در منطقه متمول و غربی‌شده نیسانتاسی ترکیه بزرگ شد.

پس از فارغ‌التحصیلی از کالج غیرمذهبی آمریکایی «رابرت» در استانبول، تحصیل در دانشکده معماری دانشگاه پلی‌تکنیک را پس از سه سال رها کرد و در انستیتوی روزنامه‌نگاری دانشگاه استانبول مشغول به تحصیل شد. که البته هیچ‌گاه به عنوان یک روزنامه‌نگار هم فعالیت نکرد.

او از سال ۱۹۷۴ در سن بیست و سه سالگی تصمیم گرفت نویسنده شود؛ و از آن زمان هر کار دیگری را رها کرد و به آپارتمانش پناه برد و شروع به نوشتن کرد.

وی در سال ۱۹۹۸ عنوان با ارزش **هنرمند دولتی** را از سوی دولت ترکیه رد کرد و گفت که اگر این عنوان را بپذیرد، دیگر نمی‌تواند به چهره مردمی که برای آنها می‌نویسد، نگاه کند.

اولین کتاب او، **ظلمت و روشنائی**، توانست در سال ۱۹۷۹ جایزه رمان اول انتشارات ملیت را به طور مشترک با «محمد اروغلو» به دست آورد.

آقای سودت و پسرانش در سال ۱۹۸۲ منتشر شد. این رمان در سال ۱۹۸۳ برنده جایزه رمان «اورهان کمال» شد.

در سال ۱۹۸۳ با رمان دیگرش، **خانه ساکت**، جایزه رمان «مادارالی» را از آن خود کرد.

رمان تاریخی او، **قلعه سفید**، در سال ۱۹۸۵ به چاپ رسید و برنده جایزه مستقل برای داستان خارجی شد.

دیگر رمان او، **کتاب سیاه**، که در سال ۱۹۹۰ به چاپ رسید؛ و در سال ۱۹۹۲، عمر کاوور، اقتباسی سینمایی از آن را ساخت.

رمان **تولد دیگر** او در سال ۱۹۹۵ در ترکیه، با فروش بالایی روبه‌رو شد.

پاموک در سال ۲۰۰۳ جایزه بین‌المللی «دابلین» را برای رمان **نام من قرمز است** به دست آورد. این کتاب در سال ۲۰۰۰ منتشر شده و تاکنون به بیست و چهار زبان ترجمه شده است.

تازه‌ترین رمانهای این نویسنده برف، در سال ۲۰۰۲، و استانبول، در سال ۲۰۰۳، چاپ شده‌اند. داستان برف، در سال ۲۰۰۵ جایزه «مدیسی» فرانسه را کسب کرد.

ویژگی کتابهای پاموک اغتشاش یا فقدان هویت ناشی از کشمکش میان ارزشهای سنتی و غربی است. منتقدین، اورهان پاموک را یک داستانسرای «پسامدرن» می‌دانند که رمانهایش انباشته از تصاویر، تشبیهات، استعاره‌ها و گفتارهای دوبه‌لگو هستند.

اورهان پاموک یک بار در زمان برگزاری نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران به ایران آمد و به شهرهای اصفهان و قزوین سفر کرد. رمانهای **قلعه سفید** و **زندگی نو** از این نویسنده، به فارسی ترجمه و منتشر شده است.

پاموک، از جمله نخستین نویسندگانی است که با فتوای مرگ مسلمان رشدی به مخالفت برخاست.

چرا اورهان پاموک موفق به دریافت جایزه نوبل ادبی شد؟

ترکیه، کشوری بزرگ، فقیر و مسلمان است. این سه عامل، پیوستن ترکیه به اتحادیه اروپایی را به چالشی بزرگ تبدیل کرده و نگرانی و مقاومت بسیاری از بخشهای اروپا را برانگیخته است.

سازوکار جدید تعریف شده در قانون اساسی اتحادیه اروپا درباره نفوذ کشورهای براساس جمعیت آنها، به ترکیه قدرتی معادل چهار کشور بزرگ اروپا (آلمان، فرانسه، انگلیس و ایتالیا) می‌دهد. این وضعیت، در مجلس اروپا هم صدق می‌کند؛ یعنی جایی که ترکیه در آن به اندازه آلمان کرسی دارد.

دورنمای عضویت ترکیه در اتحادیه اروپایی به دلیل جمعیت بیشتر مسلمان این کشور، اروپاییها را نگران می‌کند. اروپاییها نگران آن هستند که فضای سنتی، اجتماعی و فرهنگی یک ترکیه مسلمان، بر اروپا تأثیر بگذارد. از سوی دیگر، آنها نگران آن هستند که اسلام سیاسی در ترکیه روی کار آید؛ و به این ترتیب، مهار یکی از مهم‌ترین اعضای اتحادیه اروپایی را به دست گیرد.

در این میان، فرانسه جزو یکی از کشورهای مخالف با ورود ترکیه به اتحادیه اروپاست. لائیک بودن حکومت ترکیه به اندازه دولت لائیک فرانسه نیست. با پیوستن ترکیه به اتحادیه اروپا، سیل مهاجرین ترکهای مسلمان، برای فرانسه نگران‌کننده است. طبیعی و منطقی به نظر می‌رسد که راهی برای مقابله با این وضع، از سوی کشور نگران - فرانسه - لحاظ شود.

از جمله شرایط عضویت در اتحادیه اروپایی، نخست آن است که یک کشور باید اروپایی باشد تا بتواند وارد این اتحادیه شود. همچنین باید به ارزشهای اتحادیه اروپایی احترام به حقوق؛ و به عزت بشر، آزادی، دموکراسی، برابری و حکومت قانون، پایبند باشد.

شیراک در سفر به ارمنستان در روز سوم اکتبر (۱۱ مهر) سال جاری گفته بود که ترکیه برای ورود به اتحادیه اروپا نیازمند به رسمیت شناختن کشتار تاریخی ارمنه (در زمان دولت عثمانی)



است. در تاریخ دوازدهم اکتبر نیز «قانون مجازات منکران نسل کشی آرامنه» در مجلس فرانسه به تصویب می‌رسد. نام پاموک نیز از زمانی به عنوان نویسنده‌ای بحث برانگیز مطرح شد که مسائلی را علیه دولت ترکیه مطرح کرد. در فوریه سال ۲۰۰۴، او در گفت‌وگو با یک مجله سویسی، به کشتار جمعی کردها و آرامنه در آنتالیا، در سالهای بین ۱۹۱۵ و ۱۹۱۷، توسط ارتش ترکیه اشاره کرد. و همین امر، سبب شد که از سوی دولت ترکیه، به توهین به مردم ترک متهم شود.

با توجه به همزمانی تصویب چنین قانونی در مجلس فرانسه و انتخاب پاموک متهم به توهین به مردم ترک، به عنوان برنده نوبل ادبی، آیا می‌توان گفت نوبل ادبی یک نوبل سیاسی نیست؟! با کمی تأمل در آثار ترجمه شده از این نویسنده، با آثاری سیاسی روبه رو خواهیم شد. در تمام آثار پاموک، آدمهای گوناگونی وجود دارند: اسلامگرایان انقلابی، ملی‌گرایان ترک و کرد، چپگرهای سرخورده و... او خود نیز به سیاسی نوشتن اعتراف دارد. وی در یکی از مصاحبه‌هایش گفته است: «من رمان سیاسی نمی‌نویسم که برای یک گروه سیاسی خاص و فعالیت‌هایشان تبلیغات کنم. هدف من از نوشتن رمان سیاسی این است که وضعیت روانی مردم یک شهر را توصیف کنم.»

او درباره جمعیت مسلمانان ترکیه می‌گوید: «در این کشور در گذشته شمار بسیار زیادی غیر مسلمان وجود داشت. امروزه اما این غیر مسلمانها دیگر در این کشور نیستند. نباید در این باره صحبت کرد؟»

سایت فارس، پیش از معرفی برنده نوبل ادبی، با نویسندگان و صاحب‌نظران ادبی کشور مصاحبه‌هایی انجام داد. دقت و تأمل درباره این نظرات خالی از لطف نیست:

سهم ایران از جایزه نوبل ادبیات

محمود دولت‌آبادی، جمال میرصادقی، جواد مجابی، علی باباچاهی، محمدرضا سرشار، مصطفی مستور، رضا قیصریه، اسدالله امرایی، مشفق کاشانی، مدیا کاشیگر و... در گفت‌وگوهایی جداگانه، از سهم ایران از جایزه نوبل ادبیات گفتند.

آثار نویسندگان ایران چیز کمی از برندگان نوبل ندارد

محمود دولت‌آبادی گفت: «من وقتی آثار کسانی را که برنده جایزه نوبل شده‌اند، می‌خوانم، می‌بینم که نویسندگان ایرانی چیزی کم از آنها ندارند.»

دولت‌آبادی ادامه داد: «مسلمانان برنده شدن یک نویسنده یا شاعر ایرانی در معرفی و ارتقاء ادبیات ما خیلی تأثیر خواهد داشت. اما اکنون من دیگر به این موضوع نمی‌اندیشم.»

ترجمه بد آثار ایرانی، امکان دریافت نوبل را از بین برده است

جمال میرصادقی گفت: «نویسندگان یا شاعران ایران برای دریافت جایزه نوبل، اول از همه باید به جهانیان معرفی شوند. اما متأسفانه ترجمه بد آثار ایرانی، امکان دریافت نوبل را از بین برده است.»

وی اظهار داشت: «هیچ‌یک از نویسندگان یا شاعران ایرانی تاکنون نامزد جایزه نوبل نشده‌اند و تمام اخبار در این زمینه شایعه است.»

وی افزود: «یکی از عواملی که می‌تواند نویسندگان ایرانی را در جهان معرفی کند، کمک دولت است. دولت باید تمام تلاش خود را در جهت معرفی و ترجمه آثار ایرانی به جهانیان انجام دهد و در این راه هیچ مرزبندی را مشخص نکند.»

آثار نویسندگان ایرانی، دچار فقر درونمایه است

محمدرضا سرشار اظهار داشت: «من فکر می‌کنم هیئت داوری آکادمی نوبل، در میان نویسندگان ایرانی به دنبال کسانی می‌گردند که تمام عیار با سیاستهای آنها هماهنگ باشند؛ و انتظار دارند که آنها خودشان را صد در صد به غرب و اهداف استکباری آن فروخته باشند، و حتماً مثل نجیب محفوظ، از امثال سلمان رشدی حمایت کنند و علناً جلو جمهوری اسلامی ایران بایستند و با آن مبارزه کنند و برده حلقه به گوش غرب باشند.»

وی اضافه کرد: «البته یک نکته دیگر هم در این میان مطرح است: وقتی آثار مطرح امروز غرب را بررسی می‌کنیم، می‌بینیم گرچه بعضی از آن آثار با شگردهای داستان‌نویسی، تطبیق تمام عیار ندارند، اما یک ویژگی خاص دارند که آن ویژگی در آثار نویسندگان ایرانی به ویژه پیشکسوتان دیده نمی‌شود؛ و آن عنصر درون‌مایه و اندیشه‌های فراتر از مسائل پیش پا افتاده روزمره است.»

سرشار در پایان یادآور شد: «وقتی چنین جایزه‌ای به کسی اهدا می‌شود، صاحب آن جایزه از مصونیت بین‌المللی بهره‌مند می‌شود؛ و وسیله‌ای می‌شود برای تحقق اهداف فاسد سیاسی دشمنان در داخل کشور. ضمن اینکه برنده این جایزه الگوی سایر کسانی که در آن رشته خاص فعال هستند، قرار می‌گیرد.»

تمام شرایط برای دریافت نوبل دست نویسندگان نیست

جواد مجابی گفت: «برای برنده شدن جایزه نوبل باید خیلی از شرایط آماده و برقرار باشند. مثلاً یکی از این شرایط، ترجمه شدن آثار ایرانی به زبانهای اروپایی است. مثلاً نویسندگان آفریقای جنوبی یا هندی به زبان انگلیسی می‌نویسند، که مخاطب بسیاری

در جهان دارند.

ادبیات مدرن، در ایران پیشینه زیادی ندارد

مدیا کاشیگر- منتقد ادبی - اظهار داشت: «جایزه نوبل ادبیات جایزه‌ای است که به ادبیات مدرن و نویسندگان زنده هر کشوری تعلق می‌گیرد و اگر ایران این جایزه را تا به حال نگرفته باید دید که ادبیات مدرن و نویسندگان زنده ایرانی چقدر هم‌تراز ادبیات مدرن و نویسندگان زنده جهان هستند.»

کاشیگر در پایان گفت: «فکر نمی‌کنم نوبل گرفتن تأثیر زیادی در جریان‌های ادبی هر کشوری داشته باشد. فقط ممکن است انگیزه نوشتن در میان نویسندگان بیشتر شود. لزوماً بیشتر نوشتن به ارتقا

نوبل الزاماً افتخار ادبی نیست

اسدا... امرایی - مترجم - با بیان اینکه نوبل الزاماً افتخار ادبی نیست و بیشتر به نوعی ارجگذاری است، افزود: «البته در سالهای اخیر خیلی از نویسندگانی که نوبل برده‌اند، هیچ وقت آثارشان در ایران یا استقبال مواجه نشد و ترجمه نشد. بنابراین می‌بینیم که ولعی در خواندن و ترجمه آثار آنها وجود ندارد. کسانی مثل گونتر گراس هم پیش از اینکه جایزه نوبل را بگیرند، در ایران مطرح بودند.»

وی در پایان گفت: «البته باید تمامی نویسندگانی را که برنده جایزه نوبل می‌شوند معرفی کرد. اما متأسفانه این اتفاق در همه موارد نمی‌افتد. مثلاً نویسنده زن اتریشی که در چند سال گذشته برنده جایزه نوبل شد، هیچ مورد استقبال خوانندگان ایرانی قرار نگرفت.»

دریافت جایزه نوبل، ادبیات ایران را متحول می‌کند

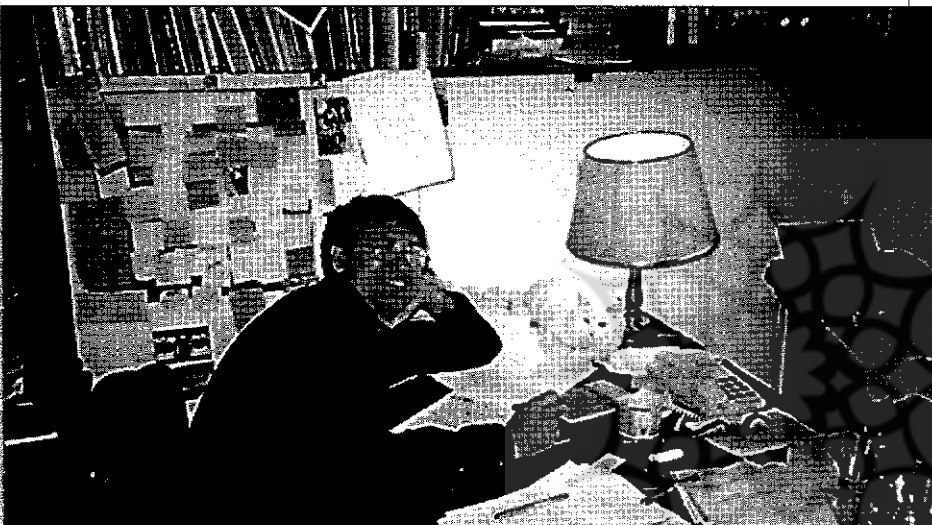
علی باباچاهی - شاعر - اظهار داشت: «یکی از دلایل مهمی که باعث شده نویسندگان و شاعران ایرانی به جایزه نوبل دست پیدا نکنند، این است که آثار ایرانی به زبانهای زنده دنیا کمتر ترجمه شده است و اگر هم ترجمه شده بیشتر آثار کلاسیک فارسی بوده است.»

باباچاهی ادامه داد: «البته می‌توان دلایل سیاسی را نیز اضافه کرد. اما مطمئناً کسی هم که اگر به دلیل سیاسی برنده جایزه نوبل شود، در درجه اول، ظرفیت خلاقیت ادبی داشته است و دارد.»

وقتی نویسنده‌ای نتواند اثری را چاپ کند، چگونه جهانی شود

مشفق کاشانی - شاعر - گفت: «مسئله‌ای که مهم‌تر از جایزه نوبل برای ایرانیان است، این است که جوانان نویسنده و شاعر نمی‌توانند آثارشان را به چاپ برسانند. وقتی که یک نویسنده یا شاعر نتواند شعری را چاپ کند، چگونه می‌تواند جهانی شود.»

وی در پایان گفت: «متأسفانه من آثار برندگان جوایز نوبل را نخوانده‌ام، اما خیلی هم با ادبیات جهان ناآشنا نیستیم. اما می‌دانم که مسئله سیاست در تمامی نهادهای فرهنگی جهان از جمله آکادمی نوبل رخنه کرده است. این را می‌توانیم در انتخاباتهای این نهادها مشاهده کنیم.»



کیفی نمی‌انجامد. نوبل ادبیات برای هر کشوری یک افتخار ادبی است. اما من کشوری را سراغ ندارم که به خاطر نوبل، ادبیاتش جهش پیدا کرده باشد.»

آثار نویسندگان ایرانی در اروپا بُرد ندارند

رضا قیصریه گفت: «آثار نویسندگان ایرانی که به زبانهای اروپایی ترجمه شده، هیچ برد نداشته است. و اخیراً نویسندگانی که خودشان در اروپا زندگی می‌کنند توانسته‌اند آثاری را عرضه کنند.»

قیصریه افزود: «اگر نویسندگان اروپایی آثارشان دارای یک ساختار فکری است به این دلیل است که ادبیات آنها ریشه در خیلی چیزهای دیگر مثل فلسفه دارد. درست است که داستان‌نویسی ما حدود صد سال قدمت دارد اما این خیلی کم است و هنوز انتظار یک رمان خوب را نباید از این ادبیات داشت.»

منابع:

ایستنا، ایرنا، فارس، قلمرو، اورهان پاموک، میراث فرهنگی، وبک پدیا، ترکیه، روزنامه حیات نو، روزنامه همشهری.